

دوباره جنگ

دوباره میپیچه تو کوچه شیون زن
دوباره نگاه به در تا که دشمن دیده نشن

پشت فرزند. دعای مادر پیر

جلو رفتن. جدایی با درد مین

دوباره صدای تیر

یکی غلطید روی زمین

دوباره نگاه پیر

یکی هستیم توی زمین

دوباره کوچه های دود گرفته

دوباره دیوارای خون نوشته

وای دوباره بوم

وای خمپاره خون

پاشید به اطراف

آهی ز اشخاص

آری که افراد

در خون غلطیدند

تا پای جون جنگیدند

بالای دور پس میرن

شوهری با چشم پر

همسری با حس بغض

تو میری نگه داری وطن تو

خب مرد باید فراموش کنه همسرشو

زن. تازه داره حس مادر شدن

شوهر و میبینه با چشمایی که با غم شدن پر
جنگ سمت خود
میخونه شوهرشو
پس پدری که
نکرده پدری به
پسری که
نکرده چشم باز به دنیا
پدر میره جنگ با یه رویا
دوباره برگرده خونه
دوباره برگرده. بمونه
اما زن تنها امیدش بچشونه
پدر میشه راهی با امیدای واهی
اون میجنگه و نمیکنه میدان و خالی
دوباره صدای تیر
پدر چشماش میان به زیر
وزیر لب
میگه بگین به پسر م فقط برای وطن
دوباره پیکر شهید
دوباره نجوای فقیر
دوباره نورهای آزادگی
دوباره روزهای آوارگی
دوباره بیچارگی
دوباره تکرار کابوسای شب
دوباره جنگ